

مشکلات آموزش زبان فارسی به خارجیان

دکتر حسین وثوقی

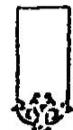
(دانشگاه تربیت معلم)

مقدمه

منظور عمده این نوشتة بررسی مشکلات تدریس زبان فارسی به زبان آموزان غیرایرانی است که زبان فارسی را برای هدفهای مختلف فرامی‌گیرند و چون خط هر زبان (از جمله زبان فارسی) نظام جداگانه‌ای از زبان گفت و شنود است و اقتضای شیوه آموزش متفاوتی را دارد، باید یادآوری کرد که این مقاله صرفاً محدود می‌شود به مشکلات آموزش زبان گفتاری فارسی که مهارت‌های گفت و شنود و مسأله تدریس خط فارسی و مشکلات ناشی از آن خود شایسته تحقیق جداگانه‌ای است.

تمایز زبان و سواد فارسی

زبان معمولاً به جنبه گفت و شنود، یعنی توان شنیدن و درک مفاهیم شنیداری از یک سو و صحبت کردن و تفهمیک محتوای ذهنی گوینده از سوی دیگر، گفته می‌شود، که این دو را دو مهارت شفاهی (oral skills) می‌نامند و کلاً به آنها تکلم اطلاق می‌شود. جنبه دیگر زبان که اصطلاحاً سواد نامیده می‌شود شامل دو مهارت نوشتن و خواندن است که به زبان آموزی که به زبان مادری خود تسلط دارد یا راهبردهای یادگیری خاصی آموخته می‌شود، زیرا که زمینه فکری پیشین او می‌تواند توان پیش‌بینی و



یادگیری خواندن و نوشتمن را در او به حد زیاد بالا ببرد و تسهیل کند. اما زبان آموزی که فارسی را به عنوان زبان خارجی فرامیگیرد چنانچه بدون یک مقدار آمادگی قبلی از گفت و شنود زبان، بخواهد سواد را نیز همزمان با صورت گفتاری آن یاد بگیرد، مشکلات بسیار را در برابر خود خواهد یافت و پیشرفت او فراتر از جنبه‌های ابتدایی و آغازین زبان نخواهد بود. از این‌رو متخصصان آموزش زبانهای خارجی یک مرحله پیش خواندن (Prereading) را پیش از آموزش خواندن و نوشتمن توصیه می‌کنند و بر تدریس گفت و شنود و آشنایی نسبی زبان آموز با ماهیت تکلمی و کاربردی زبان تأکید می‌ورزند و معتقدند که آموزش زبان را باید با وجه شفاهی آغاز کرد و پس از مقداری تسلط بر آن به آموزش خواندن و نوشتمن (سواد) مبادرت ورزید.

نقش زبان فارسی در آموزش آن به خارجیان

زبان فارسی برای زبان آموزان خارجی ممکن است یکی از دو نقش عمدی را داشته باشد: نقش زبان دوم (Second language)، و نقش زبان خارجه یا بیگانه (foreign language)

فارسی به عنوان زبان دوم آن است که در زندگی روزمره و امور جاری زبان آموز کاربرد مستمر داشته باشد و برای او در حکم یک ابزار عملی ارتباطی قرار گیرد. اما به عنوان زبان خارجه در مواردی است که هیچ نوع نقش مستقیم در زندگی عادی و روزمره زبان آموز ایفا نکند و کاربردی برای گذراندن امور و فعالیتهای جاری او نداشته باشد و تنها برای هدف خاصی یاد گرفته شود، مثل استفاده از منابع چاپ شده علمی، ادبی، عقیدتی زبان فارسی یا منابع ارتباطی نظری رسانه‌های گروهی و یا برای تدریس و امور شغلی بین‌المللی و نظایر آن.

اهداف آموزش زبان فارسی

اهداف آموزش زبان فارسی به سخنگویان غیرفارسی زبان، مستقیماً با نقش زبان فارسی برای آنها مرتبط است و به طور کلی دو انگیزه عمدی دارد: یکی استفاده از فرهنگ، تمدن و تفکر ایرانی و پیوستن به فرهنگ و جامعه ایرانی که اصطلاحاً آن را «جذب فرهنگ» (acculturation) می‌نامند و این انگیزش را، «انگیزش یکی شدن» با جامعه زبان خارجی می‌شناستند.

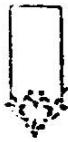
انگیزش دیگر در برگیرنده هدفهای خاص دیگری است که ممکن است بسیار متنوع باشند مانند اهداف شغلی، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، ادبی و غیره که در هر صورت بر نوعی «انگیزش ابزاری» یا وسیله‌ای (instrumental motivation) استوار است. بدیهی است که کلاس‌های آموزش زبان فارسی باید، نسبت به انواع نقشهای زبان فارسی برای غیرفارسی زبانان و انگیزش قوى و مشخص آنان در فراگیری زبان فارسی، اهداف برنامه خود را تعیین کنند و برای به ثمر رساندن آن اهداف تدریس متناسب انجام دهند تا موقعیت لازم حاصل شود.

سطوح زبان آموزی

برای این که بتوان اهداف کلان یک برنامه آموزش زبان فارسی را در مقام زبان خارجی طرح ریزی کرد و به انجام رسانید، ابتدا لازم است که میزان توانش زبان آموزان سنجیده شود و در واقع سطح اطلاعات و دانش قبلی آنان از زبان فارسی مشخص شود. به همین منظور برنامه آموزش یک زبان به خارجیان به سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته تقسیم می‌شود و اهداف کلان آن به اهداف کوچکتر یا مشخص (specific objectives) طبقه‌بندی می‌شوند تا در تدریس متناسب برای به ثمر رساندن هدف نهایی در کار آموزش زبان تسهیلات لازم فراهم آید. اگر آموزش زبان فارسی به سخنگویان دیگر، در کشور زبان هدف یعنی ایران یا در کشورهای مبدأ که وطن زبان آموزان باشد اجرا گردد، هر کدام برنامه متفاوتی را ایجاد می‌کند.

شیوه‌های تدریس

به طور کلی، برای آموزش زبان خارجی از آغاز قرن بیستم به بعد روش‌های مختلفی مهیا و آزمایش شده است و در هر دهه روشی جای شیوه قبلی را گرفته است. این امر به این دلیل است که در قرن حاضر بعد از جنگ جهانی اول و بالاخص از زمان جنگ جهانی دوم به بعد اختراع وسائل نقلیه سریع مانند هواپیما و کشتی بخار و وسائل ارتباط جمعی و از دیاد نیازهای ارتباطی کشورها به یکدیگر، فاصله بین ممالک جهان کوتاه‌تر و تماس‌های تجاری، فرهنگی و سیاسی بین آنها بیشتر شده و این تحولات سریع موجب شده‌اند که کشورهای جهان به شدت نیازمند افراد مجهز به کاربرد زبانهای بیگانه شوند تا بتوانند در برقراری روابط گوناگون سیاسی، تجاری و



فرهنگی خود با دیگر کشورها نقش میانجی و ارتباطی لازم را ایفا کنند. این نیاز موجب شد که هدفهای آموزش زبان با پشتونه بودجه‌های دولتی، روز به روز جدی‌تر و کارآثر‌گردد. و این عامل خود سبب شد که روش‌های تدریس عملی و فعالانه‌تر ارتباطی و شیوه‌های پویاتر آموزش زبان خارجی، دهه بهده جای روش‌های پیشین را که نارسا بودند و پاسخگوی نیاز زمانه نبودند، بگیرند.

در دهه نخست قرن حاضر، روش دستور - ترجمه (grammar-translation) متداول بود، در دهه دوم، روش مستقیم (direct method) انقلابی در آموزش زبان به وجود آورد. در دهه سوم، شیوه التقاطی (eclectic method) از امتزاج دو روش پیشین، جای آنها را گرفت. در دهه چهارم، روش خواندن (reading method) به یکباره گسترش یافت و کتابهای «کمک درسی» (supplimentary readers) و درجه‌بندی شده (graded) همه جا در دسترس قرار گرفت در دهه پنجم و در خلال جنگ بین‌الملل دوم، شیوه ارتش که به نام شیوه فشرده (intensive approach) موسوم گردید، مشکل دیرینه تدریس و یادگیری زبان خارجه را به صورت تکلمی و عملی در مدت سه ماه به انجام رسانید. در دهه ششم، شیوه گفتاری - شنیداری (audio-lingual) که گسترشی از همان روش ارتش بود در سراسر دنیا متداول گردید و امروزه برای تدریس هر زبان خارجی به کار برده می‌شود. در دهه هفتم علی‌رغم انتقادهای بسیار از روش شنیداری - گفتاری به‌وسیله مدافعان روان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی گشتاری، باز هم شیوه شنیداری - گفتاری یکه‌تاز میدان آموزش زبان خارجی بود و آزمایشگاه‌های زبان و کتاب‌های درسی به‌این روش در سراسر دنیا و به‌طور گسترده به کار گرفته شدند. اما از دهه هشتم کم‌کم روش‌های دیگری که به نام روش‌های «ارتباطی» (communicative) یا «نقشی - مفهومی» (functional-notional) و غیره موسوم بودند متداول شدند تا بالاخره شیوه التقاطی «شناختی - عادتی» (cognitive-habit approach) در کار آموزش زبان خارجی رواج پیدا کرد که مقدار زیادی از فنون و مکانیسم‌های شیوه شنیداری - گفتاری در آن وجود دارد.

ناگفته نماند که در تمام طول قرن بیستم در کنار و به موازات شیوه‌های کاربردی تدریس زبان خارجی، روش سنتی «دستور - ترجمه» همواره ولی به‌طور محدود متداول بوده است که می‌توان آن را روش افرادی دانست که توان به کارگیری فنون

عملی و کاربردی روش‌های نو را نمی‌یافتند و یا از یادگیری آنها طفره می‌رفتند و ناتوانایی خود را در پشت روش دستور - ترجمه پنهان می‌داشتند. این افراد روش دستور - ترجمه را متناسب برای اهداف تدریس دستور و ادبیات زبان خارجی از طریق توضیحات (ملال انگلیز) به زبان مادری می‌دانستند که سرانجام نه دستور آن زبان را یاد می‌دادند و نه ادبیات آن را، زیرا که تا زبان آموز تسلط کافی بر جنبه‌های بنیادی زبان خارجه پیدا نکند هرگز قادر نخواهد شد که ادبیات آن را که از انواع آرایه‌های ادبی و صنایع بدیع برخوردار است و پیچیده‌ترین شکل کاربردی زبان را دارد، فراگیرد.

شیوه تدریس (teaching model)

اگر چه آگاهی از روش‌های علمی و شیوه‌های پیشرفته آموزش زبان برای معلمان زبان خارجی امری ضروری است و معلمان باید در امور آموزش زبان خارجی بهره کافی از آنها داشته باشند ولی تجربه‌های پیشین نشانه داده‌اند که حتی داشتن اطلاعات نظری از روش‌های تدریس در بسیاری از موارد کافی نیست و عده زیادی نمی‌توانند معلومات خوبی را در عمل به خوبی ارائه کنند و در کلاس‌های زبان به مرحله اجرا درآورند و باز هم از روی ناتوانی به روش دستور - ترجمه پناه می‌برند. برای رفع این معضل، دست اندکاران آموزش زبان شیوه‌ها یا سرمشق‌هایی را در آموزش زبان خارجی برای سطوح و هدف‌های خاص تدوین کرده‌اند که می‌توانند به عنوان عامل میانجی بین نظریه‌های تدریس و جنبه‌های عملی آنها قرار گیرند. مثلاً یکی از این شیوه‌ها در تدریس خط زبان فارسی، روش معروف «باغچه‌بان» است که چندین دهه است که کار آموزش خط و خواندن زبان فارسی را به دانش آموزان سال اول دبستان تسهیل می‌کند و مرحوم باغچه‌بان با ارائه آن خدمت جاودانه‌ای به زبان آموزان فارسی کرده است. نگارنده نیز شیوه‌ای در آموزش زبان انگلیسی در سطوح مقدماتی و متوسطه عرضه داشته است که سال‌هاست مورد استفاده عده‌ای از معلمان زبان انگلیسی در مدارس ایران قرار دارد.

در آموزش زبان فارسی به کارگیری روش‌های مناسب، تعیین اهداف خاص و تدوین شیوه‌های آموزشی از جمله اولویت‌های ضروری بی‌هستند که باید مورد توجه قرار گیرند.



مطالب درسی آموزش زبان فارسی به عنوان زبان خارجی

کتاب‌های درسی برای زبان آموزان خارجی باید دارای معیارهای علمی و ملاک‌های همگانی باشند. تهیه کنندگان کتاب‌های درسی زبان خارجی در سطح جهان ابتدا هدف‌ها، نقش‌ها و سطوح آموزشی را در نظر می‌گیرند آن‌گاه کتاب‌های درسی مناسب را برای آن موقعیت‌های مشخص شده تهیه می‌بینند. از کتاب‌های چند منظوره‌ای که برای تمام سطوح و همه مهارت‌ها و بخش‌های زبان به کار برده شوند و مبتنی بر هیچ نوع معیار و شیوه تدریس نباشد. باید دوری گزید و نباید بهبهانه نبود مطالب مناسب آنها را به ناچار به کار گرفت.

پاره‌ای از معیارهای همگانی کتاب‌های درسی زبان خارجه را در اینجا فهرست وار ذکر می‌کنیم. اما پیش از آن یادآور می‌شویم که زبان مورد تدریس دارای سه بخش (component) عمدۀ است که باید در چهار مهارت (skill) یادگیری تحقق یابند. روابط بخش‌ها و مهارت‌های زبان را در جدول زیر نشان می‌دهیم.

روابط بخش‌های زبان و مهارت‌های کاربردی آنها

وازگان و معنا (محتوی)	ساختار (نکات دستوری)	تلفظ (نظام صوتی)	بخش‌های زبان	مهارت‌های زبان
+	+	+		شنیدن
+	+	+		صحبت کردن
+	+	+		خواندن
+	+	+		نوشتن

معیارهای کتاب‌های درسی

- ۱) کتاب‌های درسی باید برای تدریس یک یا دو یا هر سه بخش زبان خارجی تدوین شده باشند و آنها را به صورت مهارت‌های زبانی در زبان آموز به ثمر برسانند.
- ۲) کتاب درسی باید مشخصاً برای سطح خاصی تهیه شده باشد.
- ۳) کتاب درسی خوب مطالب را به نحوی ارائه می‌دهد که منطبق با یکی از شیوه‌های معتبر تدریس زبان خارجی باشد.
- ۴) کتاب درسی باید دارای معیار گزینش (selection) مطالب باشد، یعنی از

بخش‌های سه گانه زبان، متناسب با اهداف و سطح آموزشی خود، مطالب وارسی شده را برگزیند و به صورت متنون درسی ارائه دهد به گونه‌ای که در سطح سواد زبان آموزان باشد.

(۵) کتاب درسی خوب باید منطبق بر معیارهای درجه‌بندی (gradation) مطالب از ساده به مشکل باشد تا کار آموزش زبان را تسهیل کند.

(۶) ارائه مطالب درسی در صفحه‌های کتاب باید با جذابیت، آرایش خوب، تصاویر با مفهوم، نمودارهای دستوری و نمایه‌های تلفظی همراه باشد.

(۷) کتاب درسی باید بیشتر نیازهای شفاهی و کاربردی زبان را مرتفع سازد و به حد لازم تمرین‌هایی برای مشارکت زبان آموزان در به کارگیری خلاقه زبان داشته باشد و تمرین‌های شناختی، مکانیکی، تولیدی به حد کافی ارائه دهد.

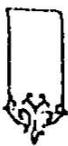
(۸) علاوه بر معیارهای مذکور در بالا، ضمایم کتاب‌های درسی مثل «کتاب تمرین» (work book)، راهنمای معلم (teacher's manual) و نوار ضبط صوت یا ویدیو نیز از جمله عوامل دیگر کتاب درسی خوب هستند که نباید از نظر دور داشت.

(۹) محتواهای مفهومی (ideational concepts) باید نشان‌دهنده جنبه‌های مذموم و زننده فرهنگ زبان مبدأ باشد (برای مثال رک مثال‌های جلد ۲ کتاب آزفا و مثال‌های دیگر در این مجموعه) بلکه باید از عناصر فرهنگی متعالی، جذاب و حکمت‌آموز برخوردار باشد.

(۱۰) و سرانجام وضعیت ظاهری کتاب از نظر طرح روی جلد، استحکام شیرازه‌بندی، وزن، صحافی، قطع مناسب و قیمت منطقی باید در حد مطلوب باشد.

نتیجه

در این بررسی سعی شد که اصول و معیارهایی را که باید در برنامه آموزش زبان فارسی به خارجیان گنجانده و رعایت شوند توجیه کنیم. این اصول و معیارها منطبق بر یافته‌های تحقیقات تئربی و آزمایشی هستند که در طی چندین دهه گذشته و به وسیله شمار زیادی از محققان و نظریه‌پردازان آموزش زبان‌های خارجی به انجام رسیده‌اند. به طور کلی آنچه را که از بررسی‌های این مقاله حاصل می‌شود می‌توان به طور خلاصه چنین بیان کرد:



نخست این که هر برنامه آموزش زبان خارجی بدون تردید و بی‌چون و چرا باید دارای هدف یا اهداف خاص و مشخص باشد.

دوم این که روش‌ها و شیوه‌های متناسب برای بهانجام رساندن هر هدف خاص به کار گرفته شود.

سوم این که برای حسن اجرای روش‌های متناسب تدریس در صورت امکان سرمشق‌ها تدریس یا الگوهای آموزشی کاربردی و دقیق، هم برای مهارت‌های چهارگانه و هم برای بخش‌های سه‌گانه زبان فراهم گردد.

چهارم این که در تدوین کتاب‌های درسی از هر نوع سلیقه شخصی و تصورات ساده‌لوحانه فردی اجتناب گردد و کتب درسی برای سطوح مختلف براساس موازین مشخص شده علمی و به طور دسته‌جمعی تدوین گرددند.

و بالاخره مریبانی که برای تدریس زبان فارسی به خارجیان گماشته می‌شوند از بین افرادی برگزیده شوند که با روش‌های تدریس زبان خارجی آشنایی داشته باشند و توان و تبحر در بیه کارگیری انواع طرح‌های آموزشی (teaching devices) را برای بهانجام رساندن مهارت‌های زبانی در زبان آموزان (به خصوص) ابتدایی و متوسطه داشته باشند و بتوانند بین تدریس زبان فارسی، ادبیات فارسی و نگارش فارسی تمایز قابل شوند و این سه حوزه را مجزا از هم بدانند و در تدریس هر کدام از شیوه‌های آموزشی لازم استفاده کنند.

کتابنامه

1. Brown, H. D. (1994). *Principles of language learning and teaching* (3rd. Ed.), Englewook cliffs: Prentice Hall.
2. Chastain, K. (1988). *Developing second language skill* (3rd. Ed.) Chicago: Harcourt Brace Publishers.
3. Cook, B. (1991). *Second language learning and language teaching*. London: Edward Arnold.
4. Kyriacou, Ch. (1991). *Essential teaching skills*. Oxford: Basil Blackwell Ltd.
5. McLaughlin, B. (1987-91). *Theories of second language learning*. Newyork: Edward Arnold.
6. Richards, J. C. & Th. S. Rodgers. (1986-90). *Approaches and methods in*

- language teaching.* Cambridge: Cambridge University Press.
7. Rivers, M. W. (1918). *Teaching foreign language skills.* (2bd. Ed.), Chicago: University of Chicago press.
8. Stern, H. H. (1983-91) *Fundamental concepts of language teaching.* Oxford: Oxford University press.
9. Vossoughi, H. (1992). "A sample lesson evaluation", *Foreign Language teaching journal (Roshd)*. Vol. IIX, No. 32-33. Tehran: Center for Research and Educational Planning.
10. Vossoughi, H. (1993). "A sample teaching-model", *Foreign Language teaching journal (Roshd)*. Vol. X, No. 36-37. Tehran: Center for Research and Educational Planning.
11. Vossoughi, H. (1996). "A sample Lesson-plan", *Foreign Language teaching journal (Roshd)*. Vol. XI, No. 43. Tehran: Center for Research and Educational Planning.
12. Widdoson, H.G. (1986-90). *Aspects of Language teaching.* Oxford: Oxford University Press.